

---

# تفاوت‌های جنسی در دل‌بستگی به خدا: نقش تعدیل‌کننده پایگاه هویت

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۳۰

تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۲۵

عباس آینه‌چی

پژوهشگر مقیم مرکز تحقیقات زن و خانواده - ab.ayenehchi@yahoo.com

## چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تفاوت‌های جنسی در دل‌بستگی به خدا با تأکید بر نقش پایگاه هویت من در دانشجویان دانشگاه قم انجام شد. در این مطالعه همبستگی، ۳۷۰ نفر دانشجو (۱۹۰ پسر و ۱۸۰ دختر) که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند، به آزمون گسترش‌یافته عینی پایگاه هویت من (EOM-EIS-2) و دل‌بستگی به خدا (ATG-37) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از آزمون t مستقل، ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه به شیوه سلسله‌مراتبی تجزیه و تحلیل شدند. نمرات بالاتر دختران در دل‌بستگی ایمن و دوسوگرا و نمرات بالاتر پسران در دل‌بستگی اجتنابی، تفاوت معنادار میان پسران و دختران در دل‌بستگی به خدا را نشان می‌دهد؛ ولی بین این دو جنس به لحاظ توزیع در چهار نوع پایگاه هویت، تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج نشان می‌دهد جنس آزمودنی‌ها پیش‌بینی‌کننده معناداری برای هر سه نوع دل‌بستگی به خداست؛ ولی در پایگاه هویت، فقط دو پایگاه هویت تحقق‌یافته و سردرگم در پیش‌بینی دل‌بستگی ایمن و دل‌بستگی اجتنابی به خدا بتای معنادار دارند که با ورود اثر متقابل جنس و پایگاه هویت به معادله رگرسیون، مشاهده می‌کنیم بتای هویت تحقق‌یافته کاهش می‌یابد و از معناداری خارج می‌شود؛ در حالی که بتای هویت سردرگم کاهش می‌یابد؛ ولی همچنان معنادار است. در دل‌بستگی دوسوگرا به خدا، فقط یک پایگاه هویت سردرگم بتای معنادار دارد که با ورود اثر متقابل جنس و هویت به معادله رگرسیون، مشاهده می‌کنیم بتای هویت

سردرگم کاهش می یابد و از معناداری خارج می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت جنس و هویت دو متغیر پیش بینی کننده در دل بستگی به خدا هستند و هویت در رابطه میان جنس و دل بستگی به خدا نقش معنادار دارد.

### واژگان کلیدی:

تفاوت های جنسی، پایگاه هویت من، دل بستگی به خدا.

### مقدمه

دل بستگی به خدا (attachment to God) بسط مفهوم دل بستگی بالبی (Bowlby, J) است. مفهوم دل بستگی که به نیاز اساسی انسان از نخستین روزهای زندگی اشاره دارد - خواه طبق نظر فروید، نیاز ثانوی باشد یا بر اساس نظر بالبی، نیاز اولیه - مفهومی است که به عنوان «ارتباط و پیوند روانی پایدار بین دو انسان» توصیف می شود (Bolnby, 1980, p.78). کرک پاتریک (Kirkpatrick, L. A) (Kirkpatrick, 1999, p.89/ Kirkpatrick & Shaver, 1996, p.269) با تعمیم دادن نظریه دل بستگی بالبی به قلمرو دین نشان داد این مبنای نظری ممکن است به تبیین تفاوت های فردی در دین داری کمک کند؛ چراکه برداشت اصلی بیشتر افراد از دین و مذهب، داشتن احساس تعلق و رابطه ای نزدیک با خداوند است؛ نه صرفاً مجموعه ای از باورها و اعمال (Kirkpatrick, 1999, p.92/ Rowatt & Kirik partick, 2002, p.125/ Argyel, 2000, p.152). در این تعلق خاطر، خداوند پایگاه امن شناخته می شود که در همه شرایط می توان او را جست و جو کرد (Granqvist & Mikulincer, 2010, p.51 & Shaver, 2010). کرک پاتریک (۱۹۹۴م. به نقل از شیخ و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶) خاطر نشان کرده است که برای بسیاری از مردم، خدا چهره مهم دل بستگی است. بنابراین دل بستگی به خدا تحت عنوان «ارتباط و گرایش فرد به خداوند» تعریف می شود. او معتقد است افرادی که دل بستگی ایمن (secure attachment) به خدا دارند، از شاخص هایی همچون ارزش دهی به رابطه شان با خدا، انگاره ذهنی مثبت از خدا و تجربه های رابطه ای مثبت برخوردارند. آنهایی که نیم رخ دل بستگی دوسوگرا (ambivalent attachment) به خدا دارند، از اعتماد و اطمینان نداشتن به حمایت و حفاظت خداوند، دل مشغولی - شیفتگی متوسط تا افراطی به رابطه شان با خدا، احساسات مبهم و نوسانی به خدا و تجربه های نوسانی برخوردارند. افراد با دل بستگی اجتنابی (avoidance attachment) نیز ممکن است شاخص هایی همچون بی ارزش جلوه دادن، فاصله یا کاهش رابطه شان با خدا در تجربه های رابطه ای، غلبه تجربه های منفی بر تجربه های مثبت و خستگی و پرهیز از توکل به خدا را گزارش کنند.

با مراجعه به بدنه پژوهش در این حوزه در می‌یابیم برخی پژوهش‌ها به تفاوت افراد در نوع دل‌بستگی به خدا اشاره دارند و فرضیه‌های متفاوتی مانند «فرضیه جبران» (compensation hypothesis)، «فرضیه انطباقی» (correspondence hypothesis) و «فرضیه مدل ذهنی» (mental model hypothesis) در تبیین انواع دل‌بستگی به خدا در بزرگ‌سالی را ارائه کرده‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز تفاوت دو جنس مردان و زنان در نوع دل‌بستگی به خدا را ادعا کرده‌اند؛ برای مثال، علیائی، سامانی و فانی (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان داده‌اند میان پسران و دختران در دل‌بستگی به خدا تفاوت معناداری وجود دارد. برخی پژوهش‌ها نیز در سطحی دیگر نشان داده‌اند که اساساً جهت‌گیری مذهبی زنان نسبت به مردان قوی‌تر است و میزان اشتغالات مذهبی، دعا و مناسک دینی زنان در مقایسه با مردان بیشتر است (Loewenthal et al, 2002, p.136). در تبیین تفاوت دو جنس در دین‌داری و دل‌بستگی به خدا نیز نظریه‌هایی مطرح شده است.

نظریه جایگزینی منابع (Ross & Mirowsky, 2006, p.1405) ادعا می‌کند با کاهش یک منبع در ظرفیت انسان، منابع دیگر می‌توانند شکوفا شوند؛ بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که احتمالاً زنان با توجه به منابع اجتماعی-اقتصادی، به شدت تحت تأثیر کیفیت دل‌بستگی به خدا هستند؛ زیرا از آنجایی که زنان به لحاظ وضعیت اجتماعی-اقتصادی نسبت به مردان پایین‌ترند، ممکن است این کاستی را با پرورش منابع دیگر از جمله صمیمیت و معنویت در ارتباط جبران کنند. همچنین آنها تمایل دارند به اینکه به ارتباطشان با خدا تکیه کنند و حساسیت خود به کیفیت روابطشان را افزایش دهند (Simpson, 2002, p.227). برخی پژوهش‌ها نیز نشان دادند زنان در مذهب به‌ویژه در معنویت ارتباطی بالاتر هستند (ر.ک: غباری بناب و حدادی، ۱۳۹۰، ص ۸۴). به علاوه، زنان در ایجاد ارتباط صمیمی، پیشرفت بیشتری دارند که نظریه پردازان در تبیین آن ادعا کرده‌اند فرایند جامعه‌پذیری نقش جنسیتی موجب شده زنان بر اهمیت صمیمت ارتباطی تأکید کنند و در نتیجه احساس خوبی از معنا و تحقق روابط داشته باشند و نسبت به ارتباط منفی حساس‌تر باشند (Desrosiers & Miller, 2007, p.1028/ Gilligan, 1982, p.134). این تفاوت‌ها در دل‌بستگی انسانی ممکن است به ارتباط با خدا نیز گسترش یابد. لوونتول و همکاران (۲۰۰۲م) استدلال می‌کنند شاید این تفاوت به دلیل فرصت‌های بیشتر زنان برای فعالیت‌های مذهبی یا شاید به دلیل تفاوت شخصیتی و اجتماعی شدن زنان باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، برخی از این تبیین‌ها، تفاوت زنان و مردان در دل‌بستگی به خدا را به سطح

شخصیت و ساختار روان‌شناختی دو جنس ارجاع می‌دهند. یکی از ابعاد ساختار روان‌شناختی، ساخت هویتی افراد است؛ از این رو برای فهم کیفیت و نوع دل‌بستگی به خدا در گروه مردان و زنان می‌توان ساخت و وضعیت هویتی آنها را نیز بررسی کرد.

سیر مطالعاتی درباره ساخت و رشد هویت را می‌توان از نخستین آثار فروید (Freud, S.) تا نظریه‌پردازی اریکسون (Erikson, E. H.)، عملیاتی کردن تجربی مارسیا (Marcia, J. E.) و همچنین نظریه‌های بعدی برزونسکی (Berzonsky, M. D.)، گروتوانت (Grotevant, H. D.)، واترمن (Waterman, A. S.)، آدامز (Adams, G. R.) و کوته (Cote) که از سال ۱۹۸۷ میلادی به بعد ارائه شدند، ردیابی کرد (Schwartz, 2001, p.28). پسران و دختران به لحاظ ساختار روان‌شناختی - بیولوژیکی از یکدیگر جدا می‌شوند و در مراحل بعد، این جداسازی درون فضای ارتباطی خانوادگی و اجتماعی توسعه می‌یابد. تفاوت‌های احتمالی میان مردان و زنان در این فرایند به اندازه کافی بررسی نشده است؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت‌های موجود مرتبط با ژنتیک، بیولوژی، روان‌شناسی، تجربه و روابط اجتماعی، تفاوت‌هایی در هویت وجود دارد که باید به آنها توجه شود. فروید با جمله مشهور خود، «آنا تومی سرنوشت است»، اهمیت اساسی همه چیز را به صورت بیولوژیکی در تعریف هویت فرد به‌طور کلی و به‌ویژه در قلمرو جنسی ارائه کرد. به نظر او ساختار بدن ما چارچوب هویت ماست؛ چارچوبی که بر مبنای آن ادراک فرد از خودش و جایگاه خودش در جهان تفسیر می‌شود. مؤلفان مختلف درون یا بیرون از رویکرد روان‌تحلیلگری در خلال سال‌ها، به طرح پرسش‌هایی درباره نظر فروید پرداخته‌اند. آنها به چیزهایی که انسان در طول تجربه‌های خود در محدوده خانواده یا جامعه به دست می‌آورد، اهمیت بیشتری می‌دادند. اریکسون (۱۹۶۸م) نیز معتقد بود تحول هویت در زنان و مردان متفاوت است. نتایج تحقیقات طی سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ میلادی، نظر اریکسون درباره تفاوت‌های جنسی در شکل‌گیری هویت را تأیید کردند (آقاچانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳). در سال‌های پیش از ۱۹۸۰ میلادی، دستیابی به هویت بین مردان و زنان جداگانه بررسی می‌شد؛ چون گمان می‌رفت هر جنس به گونه‌ای متفاوت به هویت می‌رسند؛ اما از سال ۱۹۸۰ میلادی به بعد در بررسی‌ها هر دو جنس را با هم در نظر گرفتند و تفاوت‌ها و شباهت‌ها را میان دو جنس در شکل‌گیری هویت مطالعه کردند. آرچر پس از مرور یافته‌های پژوهش‌های موجود، به این نتیجه رسید که در حال حاضر تفاوت‌های جنسی در هویت استثنا هستند تا قاعده؛ اما یادآور شد فرایند شکل‌گیری هویت، به علت وجود موانع بیرونی رشد برای زنان

می‌تواند دشوارتر باشد (۱۹۹۲م. به نقل از آقاجانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵).

با بررسی ادبیات پژوهش، به پژوهش‌هایی بر می‌خوریم که تفاوت مردان و زنان در هویت را نشان داده‌اند؛ برای نمونه پژوهش دانشورپور، غنایی، شکری و زین‌آبادی (۱۳۸۶) نشان داد متغیرهای برون‌زای جنس، سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم‌آوری اثری معنادار بر متغیر درون‌زای تعهد هویت دارند و آنها درباره نقش تفاوت‌های جنسی در سبک‌های هویت و تعهد هویت نتیجه گرفتند بین دو جنس در سبک‌های هویت هنجاری و تعهد هویت، تفاوت معنادار وجود دارد. آقاجانی، فرزاد و شهرآرای (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود نشان دادند میانگین دختران در استفاده از سبک هویت اطلاعاتی در مقایسه با پسران بالاتر و میانگین پسران در استفاده از سبک هویت سردرگمی/اجتنابی در مقایسه با دختران به شکل معناداری بالاتر بود. همچنین میانگین تعهد دختران در این پژوهش در مقایسه با میانگین تعهد پسران بالاتر بود. برزونسکی و دیگران (۱۹۹۹م) مدعی‌اند زنان در مقایسه با مردان در سبک هویت اطلاعاتی نمره بالاتری می‌گیرند و نیز احساس بهتری از مهارت‌های خود دارند. همچنین مردان در مقایسه با زنان، بیشتر به اجتناب اجتماعی می‌پردازند، احساس خودکارآمدی اجتماعی کمتری دارند و کمتر از زنان در جست‌وجوی حمایت و تأیید اجتماعی هستند.

اگرچه هویت و دل‌بستگی هر کدام به عنوان یک جزء جداگانه از دانش توسعه یافته‌اند؛ اما می‌توان مفاهیم آنها را به عنوان مکمل در نظر گرفت؛ چنان‌که میگوئل (۲۰۱۵م) اظهار می‌کند ساختار هویت بسیار پیچیده بوده و از لایه‌های چندگانه تشکیل شده است و محصول روابط بین فردی متوالی مهم در خلال زمان است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند بین شکل‌گیری هویت و دل‌بستگی ایمن به خدا رابطه وجود دارد (بنسون، ۲۰۰۶م، زیندر، ۲۰۰۶م، کانی، ۲۰۰۶م، لرنر، ۲۰۰۸م. به نقل از شهابی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸-۱۰۹). کینگ معتقد است افراد هویت‌های گوناگون مذهبی، شغلی، قومی، اجتماعی، سیاسی و جنسی دارند و نتایج نشان داده بین هویت تحقق‌یافته و مذهب رابطه مثبت وجود دارد. بنا به اعتقاد بل، هویت مذهبی، سازه روان‌شناختی است که ناشی از درک فرد از ضمیر خودش درباره یک نیرو یا موجود متعالی یا یک گروه اجتماعی - فرهنگی است که مشخصه غالب آن، هدف متعالی است (King, 2003, pp.197-204). وی بر پایه نظریات مارسیا در خصوص هویت و پایگاه‌های هویت، چهار پایگاه هویت مذهبی آشفته، زودرس، دیررس و کسب‌شده را مطرح کرد (Bell, 2009, p.89). پژوهش

سرگزی و نیک‌منش (۱۳۹۲) نشان داد سبک‌های هویت هنجاری و هویت سردرگم/اجتنابی می‌توانند خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده را پیش‌بینی کنند. همچنین سبک‌های هویت هنجاری و هویت اطلاعاتی می‌توانند سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر را پیش‌بینی کنند. پارکر ادعا می‌کند میان بعد اکتشاف هویت و میزان اشتغالات مذهبی، رابطه مثبت وجود دارد و احتمالاً فرد پس از یک بحران هویتی شدید، اشتغال مذهبی بالایی پیدا می‌کند و تعارض در فرایند اکتشاف هویت، تعیین‌کننده اصلی تحول باورهای مذهبی است (Parker, 1985, p.46).

توجه به شواهد تجربی درباره رابطه میان جنس، هویت و دل‌بستگی به خدا، پژوهشگر را با مسئله کیفیت ارتباط بین این سه متغیر روبه‌رو می‌کند. با فرض تفاوت معنادار نداشتن پسران و دختران در پایگاه هویت من، وضعیت آنها در دل‌بستگی به خدا چگونه است؟ برای نمونه آیا هویت تحقق‌یافته در هردو جنس یک وضعیت دل‌بستگی به خدا ایجاد خواهد کرد یا اینکه پسران را در یک نوع دل‌بستگی متفاوت از دختران قرار خواهد داد؟ با مراجعه به ادبیات پژوهش، به نبود شواهد تجربی کافی درباره کیفیت ارتباط این متغیرها پی می‌بریم. کمبودی که در بدنه پژوهش وجود دارد، این است که اولاً شواهد کافی برای امکان پیش‌بینی دل‌بستگی به خدا بر اساس جنس وجود ندارد. ثانیاً شواهد برای امکان پیش‌بینی دل‌بستگی به خدا بر اساس هویت کافی نیست. ثالثاً پیش‌بینی دل‌بستگی به خدا بر اساس دو متغیر جنس و هویت بررسی نشده است و سهم اثر هریک از این دو متغیر در تبیین واریانس دل‌بستگی به خدا روشن نیست. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش بررسی سهم اثر هریک از متغیرهای جنس و پایگاه هویت من در پیش‌بینی دل‌بستگی به خداست و در صدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

۱. آیا میان مردان و زنان تفاوت معناداری در دل‌بستگی به خدا وجود دارد؟
۲. آیا میان مردان و زنان تفاوت معناداری در پایگاه هویت وجود دارد؟
۳. وضعیت مردان و زنان به لحاظ ارتباط بین دو متغیر پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا چگونه است؟
۴. کدام یک از متغیرهای جنس و پایگاه هویت من سهم بیشتری در تبیین واریانس دل‌بستگی به خدا دارند؟
۵. آیا پایگاه هویت در رابطه میان جنس و دل‌بستگی به خدا تأثیرگذار است؟

## روش

پژوهش حاضر از حیث هدف، بنیادی و از حیث شیوه جمع‌آوری داده‌ها توصیفی و از نوع

طرح‌های هم‌بستگی است. در بررسی رابطه هم‌زمانی جنس، دل‌بستگی به خدا و پایگاه هویت من به طور جداگانه و دوبه‌دو از هم‌بستگی و جهت بررسی رابطه تابعی و پیش‌بین میان آنها از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه سلسله‌مراتبی و از نرم‌افزار SPSS23 استفاده شده است.

### شرکت‌کنندگان

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دختر و پسر دانشگاه قم در سال ۱۳۹۵ است. حجم جامعه آماری ۹۰۷۸ نفر، شامل ۴۴۱۴ دختر (۴۸/۶۲ درصد) و ۴۶۶۴ پسر (۵۱/۳۸ درصد) است که بر اساس جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan) (ر.ک: ۱۹۷۰م. به نقل از سرمد و همکاران، ۱۳۷۸) ۳۷۰ نفر (۱۸۰ دختر و ۱۹۰ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند.

### ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه پایگاه هویت من (EOM-EIS-2): آزمون گسترش‌یافته عینی پایگاه هویت من<sup>۱</sup> توسط آدامز (Adams, G. R) در سال ۱۹۷۹ میلادی طراحی شد و در سال ۱۹۸۶ میلادی تجدیدنظر دوم و نهایه آزمون منتشر شد که ۶۴ پرسش دارد. روایی آزمون به روش همسانی درونی محاسبه شده و ضریب روایی کل آزمون ۰/۷۸ گزارش شده است. روایی هم‌گرا بین زیرمقیاس‌ها تا ۰/۹۳ و روایی واگرا بین زیرمقیاس‌ها تا ۰/۷۶ بوده است. روایی هم‌زمان آزمون با استفاده از پرسش‌نامه رشد روانی - اجتماعی کانستانتینوپل و مصاحبه پایگاه هویت مارسیا ارزیابی شده است و نشان می‌دهد قرار گرفتن در مرحله بالای رشد روانی - اجتماعی با قرار گرفتن در پایگاه دستیابی به هویت هم‌بستگی مثبت (۰/۵۲) و با قرار گرفتن در پایگاه‌های دیگر هم‌بستگی منفی (۰/۳۸) دارد. در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ برای هویت تحقق‌یافته، مهلت‌خواه، زودهنگام و سردرگم به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۵، ۰/۸۶، ۰/۸۰ به دست آمد.

پرسش‌نامه دل‌بستگی به خدا (ATG): پرسش‌نامه دل‌بستگی معنوی مسلمانان با پرسش‌نامه دل‌بستگی به خدا با هدف سنجش دل‌بستگی مسلمانان به خدا تهیه شده است (ر.ک: غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰). این پرسش‌نامه در صورت نهایی خود، پس از حذف پرسش‌های ناهمگن با کل پرسش‌نامه، به صورت یک پرسش‌نامه ۳۷ سؤالی ارائه شده که هر گزاره آن به صورت لیکرتی از توافق نداشتن خیلی شدید (۱) تا توافق بسیار شدید (۷)

1. Extended Objective Measure of Ego Identity status – 2nd version

نمره گذاری می شود. تحلیل عاملی پرسش نامه نشان داد چهار عامل فرعی در این پرسش نامه وجود دارد که در زیر دو عامل اساسی (برداشت درونی از خود و برداشت درونی از خدا) خلاصه می شوند. این عوامل دقیقاً با مبنای نظری دل بستگی توافق دارد و نشان دهنده روایی درونی پرسش نامه و شاخص روایی سازه و هماهنگی پایگاه تئوریک آن است. چهار عامل اساسی پرسش نامه عبارت اند از: «پایگاه امن»، «پناهگاه مطمئن بودن» موضوع دل بستگی، «جوارجویی» به موضوع دل بستگی در مواقع استرس زا، و «اعتراض به جدایی» موضوع دل بستگی. این چهار عامل عملکرد فرایند و سیستم دل بستگی در زیر دو الگوی درونی کاری، یعنی الگوی کاری درونی از خود دیگری (خدا) جا می گیرند و نشان دهنده سلسله مراتبی بودن عوامل پیداشده در پرسش نامه هستند. تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی هر دو هماهنگی الگوی پیداشده با مبنای نظری دل بستگی را تأیید می کنند. افزون بر این شاخص آلفای کرونباخ برای هر کدام از ابعاد، نشان دهنده همسانی درونی بالای هر کدام از ابعاد پرسش نامه است. آلفای کرونباخ برای بعد الگوی درونی از خدا ۰/۹ و الگوی درونی از خود ۰/۸۵ شده است. روایی درونی چهار عامل کار کرد موضوع دل بستگی نیز بسیار بالا بوده است. همسانی درونی عامل پایگاه امن ۰/۸۸، عامل پناهگاه مطمئن ۰/۹۳، عامل اعتراض به جدایی ۰/۸۶ و عامل جوارجویی ۰/۹ گزارش شده است (همان، ص ۹۸). در مجموع می توان این آزمون را از لحاظ روایی و پایایی، یک آزمون کارآمد قلمداد کرد. در مطالعه حاضر، آلفای کرونباخ برای پایگاه ایمن، منبع آرامش، اعتراض به جدایی، جوارجویی، دید مثبت از خود و دید مثبت از خدا به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۰، ۰/۸۷، ۰/۹۰، ۰/۸۷ و ۰/۹۱ به دست آمد.

### نتایج

پیش از تجزیه و تحلیل داده ها، به پالایش داده ها و بررسی مفروضه های رگرسیون چندمتغیری پرداخته شد. ابتدا به پالایش کد و اندازه هریک از متغیرها اقدام شد و در شش مورد که داده های غیرمنطقی و خارج از محدوده کد گذاری وجود داشت، اصلاح صورت گرفت. در دو متغیر هویت تحقق یافته و دل بستگی دوسوگرا تنها یک اندازه از دست رفته (۰/۲۷) وجود داشت که با توجه به مقدار ناچیز آن از روش حذف فهرستی (listwise) استفاده شد و در متغیر سن، هفت اندازه از دست رفته (۱/۸۹) وجود داشت که از روش جایگزین کردن میانگین (series mean) استفاده شد. به منظور ردیابی و برخورد مناسب با داده های پرت تک متغیری از نمودار جعبه ای و داده های پرت چندمتغیری از آماره



مهالانویس استفاده شد. در بررسی مفروضه‌های رگرسیون، معنادار نبودن نتایج آزمون کالموگروف - اسمیرنف در سطح ( $p < 0/05$ ) نشان‌دهنده نرمال بودن و معنادار نبودن آزمون ام. باکس نشان‌دهنده هم‌گنی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس بود. در این بخش، نخست اطلاعات توصیفی مرتبط با پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا در دو جنس در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا

در پسران ( $n=190$ ) و دختران ( $n=180$ )

متغیرها	خرده مقیاس‌ها	پسران	دختران	کل
		میانگین	میانگین	میانگین
		(انحراف معیار)	(انحراف معیار)	(انحراف معیار)
پایگاه هویت	تحقق‌یافته	۴۴/۵۸۷۳	۴۵/۷۳۳۳	۴۵/۱۴۶۳
		(۱۰/۸۶۷۱۴)	(۱۰/۸۱۵۱۶)	(۱۰/۸۴۲۲۶)
	مهلت‌خواه	۵۲/۵۳۱۶	۵۴/۵۰۰۰	۵۳/۴۸۹۲
		(۱۱/۲۱۷۷۴)	(۱۰/۵۲۱۳۳)	(۱۰/۹۱۴۳۶)
	زود هنگام	۶۲/۵۰۵۳	۶۱/۱۲۲۲	۶۱/۸۳۲۴
		(۱۳/۲۰۷۶۴)	(۱۴/۰۴۸۴۶)	(۱۳/۶۲۲۲۴)
	سردرگم	۶۱/۴۷۸۹	۶۱/۸۰۵۶	۶۱/۶۳۷۸
		(۱۲/۷۴۱۱۰)	(۱۲/۴۸۳۳۳)	(۱۲/۶۰۰۳۳)
دل‌بستگی به خدا	ایمن	۱۸۵/۸۰۵۳	۱۹۵/۰۴۴۴	۱۹۰/۳۰۰۰
		(۳۴/۸۱۱۳۴)	(۲۹/۷۷۶۴۱)	(۳۲/۷۴۴۱۳)
	دوسوگرا	۵۷/۰۳۱۷	۵۸/۷۶۱۱	۵۷/۸۷۵۳
		(۵/۹۵۹۰۰)	(۵/۰۰۷۶۶)	(۵/۵۷۵۶۳)
	اجتنابی	۶۲/۶۰۰۰	۵۸/۳۱۱۱	۶۰/۵۱۳۵
		(۱۲/۶۴۳۱۷)	(۱۰/۱۸۴۴۹)	(۱۱/۶۹۶۰۶)

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات دختران در دل‌بستگی ایمن و دوسوگرا نسبت به پسران بالاتر است؛ ولی میانگین نمرات پسران در دل‌بستگی اجتنابی نسبت به دختران بالاتر است. به منظور پاسخ به پرسش نخست پژوهش، نتایج آزمون  $t$  مرتبط با مقایسه دو جنس در خرده‌مقیاس‌های متغیر دل‌بستگی به خدا در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲: مقایسه پسران ( $n=190$ ) و دختران ( $n=180$ ) در دل‌بستگی به خدا

متغیر	خرده مقیاس	جنس	میانگین	انحراف معیار	$t$	سطح معناداری
-------	------------	-----	---------	--------------	-----	--------------

۰/۰۳۹	۲/۰۷۱	۶/۱۰۱۲۱	۲۹/۰۵۲۶	پسر	پایگاه ایمن (SB)
		۴/۹۷۸۳۰	۳۰/۲۵۵۶	دختر	
۰/۰۰۴	۲/۹۲۰	۷/۷۵۵۱	۴۱/۳۴۲۱	پسر	منبع آرامش (SH)
		۶/۷۵۶۹۳	۴۳/۵۵۵۶	دختر	
۰/۰۰۲	۳/۰۴۸	۶/۲۲۵۱	۲۷/۹۳۱۶	پسر	اعتراض به جدایی (SP)
		۵/۵۲۴۶	۲۹/۷۹۴۴	دختر	
۰/۰۰۳	۳/۰۴۱	۸/۰۷۳۵	۴۰/۵۲۶۳	پسر	جوارجویی (PS)
		۷/۰۴۸۱	۴۲/۹۲۷۸	دختر	
۰/۲۱۵	۱/۲۴۲	۶/۵۲۵۸	۲۹/۰۰۵۳	پسر	دید مثبت از خود (PSS)
		۵/۲۴۷۸	۲۹/۷۷۲۲	دختر	
۰/۰۰۴	۲/۸۸۳	۹/۴۹۶۹	۴۵/۸۷۸۹	پسر	دید مثبت از خدا (PSO)
		۸/۱۱۴۶	۴۸/۵۳۳۳	دختر	
۰/۰۰۶	۲/۷۴۸	۳۴/۸۱۱۳۴	۱۸۵/۸۰۵۳	پسر	ایمن
		۲۹/۷۷۶۴۱	۱۹۵/۰۴۴۴	دختر	
۰/۰۰۳	۳/۰۲۳	۵/۹۵۹۰۰	۵۷/۰۳۱۷	پسر	دوسوگرا
		۵/۰۰۷۶۶	۵۸/۷۶۱۱	دختر	
۰/۰۰۱	-۳/۶۰۲	۱۲/۶۴۳۱۷	۶۲/۶۰۰۰	پسر	اجتنابی
		۱۰/۱۸۴۴۹	۵۸/۳۱۱۱	دختر	

دل بستگی به خدا

با توجه به جدول شماره ۲، در پاسخ به پرسش اول می توان گفت بین پسران و دختران در تمامی خرده مقیاس های دل بستگی به خدا - به غیر از خرده مقیاس دید مثبت از خود تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج نشان می دهد دختران به شکل معناداری بیش از پسران دل بستگی ایمن به خدا نشان می دهند و از ارزش دهی به رابطه شان با خدا، انگاره ذهنی مثبت از خدا و تجربه های رابطه ای مثبت برخوردارند؛ ولی با توجه به بالاتر بودن میانگین آنها در دل بستگی دوسوگرا به خدا، به نظر می رسد بیشتر از پسران دل مشغولی - شیفتگی متوسط تا افراطی نسبت به رابطه شان با خدا، احساسات مبهم و نوسانی نسبت به خدا و تجربه های نوسانی از اعتماد و اطمینان نداشتن به حمایت و حفاظت خداوند دارند. همچنین نتایج نشان می دهد پسران به طور معناداری بیش از دختران دل بستگی اجتنابی به خدا نشان می دهند و شاخص هایی همچون بی ارزش جلوه دادن، فاصله یا کاهش رابطه شان با خدا در تجربه های رابطه ای، غلبه تجربه های منفی بر تجربه های مثبت و خنثی و پرهیز از توکل به خدا را بیشتر گزارش کردند.

برای پاسخ به پرسش دوم پژوهش و مقایسه دو گروه پسران و دختران در نوع پایگاه هویت، نخست به تعیین وضعیت هریک از آزمودنی‌ها اقدام شد. برای این منظور، طبق دستورالعمل پرسش‌نامه، افرادی که تنها در یک پایگاه هویت، نمره‌ای برابر یا بیشتر از یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین دریافت کرده‌اند، به عنوان هویت متمایز مشخص شدند و در آن پایگاه قرار گرفتند که نتایج آن در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی افراد در هریک از پایگاه‌های هویت به تفکیک جنس

پایگاه هویت	پسران		دختران		کل
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
تحقق یافته	۲۰	۱۹/۴۱	۱۹	۱۸/۴۴	۳۹
مهلت‌خواه	۸	۷/۷۶	۳	۲/۹۱	۱۱
زود هنگام	۱۱	۱۰/۶۷	۱۲	۱۱/۶۵	۲۳
سردرگم	۱۸	۱۷/۴۷	۱۲	۱۱/۶۵	۳۰
جمع	۵۷	۵۵/۳۳	۴۶	۴۴/۶۶	۱۰۳

برای پاسخ به پرسش دوم پژوهش، افرادی که هویت نامتمایز (معوق یا در حال گذر) داشتند، از پژوهش کنار گذاشته شدند و تنها ۱۰۳ نفر که دارای هویت متمایز بودند، در تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون مجذور خی وارد شدند که نتایج در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴: نتایج آزمون خی دو برای مقایسه فراوانی دو گروه پسران و دختران

بر حسب انواع پایگاه هویت

متغیر	طبقات	گروه		میزان خی دو	معناداری
		پسران	دختران		
هویت	تحقق یافته	۲۰	۱۹	۳/۲۷۸	۰/۵۱۲
	مهلت‌خواه	۸	۳		
	زود هنگام	۱۱	۱۲		
	سردرگم	۱۸	۱۲		

با توجه به جدول شماره ۴، در پاسخ به پرسش دوم می‌توان گفت بین پسران و دختران به لحاظ پایگاه هویت و توزیع آنها در چهار نوع پایگاه هویت، تفاوت معناداری وجود ندارد.

برای پاسخ به پرسش سوم پژوهش، یعنی بررسی وضعیت دو جنس به لحاظ ارتباط بین دو متغیر پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا، هم‌بستگی میان آنها به تفکیک در جدول شماره ۵ و ۶ ارائه شده است. در جدول شماره ۵ هم‌بستگی دو متغیر پایگاه هویت من و

دل‌بستگی به خدا در پسران ارائه شده است.

جدول ۵: هم‌بستگی پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا در پسران

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
تحقق یافته	۱						
مهلت خواه	۰/۲۶۳**	۱					
زود هنگام	۰/۱۷۴*	۰/۳۸۱**	۱				
سردرگم	-۰/۰۹۸	۰/۴۹۴**	۰/۴۷۱**	۱			
ایمن	-۰/۲۶۶**	۰/۰۵۹	-۰/۰۰۷	۰/۳۴۳**	۱		
دوسوگرا	-۰/۰۵۷	۰/۰۸۱	۰/۰۰۴	۰/۲۱۸**	۰/۶۳۰**	۱	
اجتنابی	۰/۱۹۳**	-۰/۰۶۰	-۰/۰۰۴	-۰/۳۲۳**	-۰/۸۸۵**	-۰/۸۳۶**	۱

\*P<0.05

\*\*P<0.01

همان گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، در پسران تنها دو نوع هویت با دل‌بستگی به خدا ارتباط معنادار دارد. هویت تحقق یافته با دل‌بستگی ایمن رابطه منفی معنادار و با دل‌بستگی اجتنابی رابطه مثبت معنادار دارد. هویت سردرگم با دل‌بستگی ایمن و دوسوگرا رابطه مثبت و با دل‌بستگی اجتنابی رابطه منفی دارد که شاید علت این امر را بتوان در روحیه مردانه و استقلال جست‌وجو کرد؛ به این معنا که هنگامی که مردان احساس استقلال می‌کنند، انگیزه پایین تری برای برقراری ارتباط دارند. در جدول شماره ۶، هم‌بستگی دو متغیر پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا در دختران ارائه شده است.

جدول ۶: هم‌بستگی پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا در دختران

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
تحقق یافته	۱						
مهلت خواه	۰/۳۹۹**	۱					
زود هنگام	۰/۲۰۲**	۰/۵۱۲**	۱				
سردرگم	-۰/۰۵۴	۰/۶۰۵**	۰/۵۰۷**	۱			
ایمن	-۰/۱۲۱	۰/۱۲۰	۰/۲۰۹**	۰/۳۰۰**	۱		
دوسوگرا	-۰/۱۳۰	۰/۰۸۹	۰/۱۱۷	۰/۲۱۵**	۰/۵۷۱**	۱	
اجتنابی	۰/۱۱۵	-۰/۱۴۲	-۰/۱۹۷**	-۰/۳۱۱**	-۰/۹۲۷**	-۰/۷۷۶**	۱

\*P<0.05

\*\*P<0.01

همان گونه که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود، در دختران نیز تنها دو نوع هویت با دل‌بستگی ارتباط معنادار دارد. هویت زود هنگام با دل‌بستگی ایمن رابطه مثبت، معنادار و با

دل‌بستگی اجتنابی، رابطه منفی معنادار دارد. هویت سردرگم با دل‌بستگی ایمن و دوسوگرا، رابطه مثبت و با دل‌بستگی اجتنابی، رابطه منفی دارد که این نشان می‌دهد هویت سردرگم در هر دو گروه پسران و دختران وضعیت مشابهی در دل‌بستگی به خدا دارد.

برای پاسخ به پرسش‌های چهارم و پنجم، بررسی واریانس تبیین‌شده دل‌بستگی به خدا از طریق متغیرهای جنس و پایگاه‌های هویت من و نقش پایگاه هویت در رابطه میان جنس و دل‌بستگی به خدا، تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی به کار برده شد؛ از این رو در گام نخست، متغیر جنس، در گام دوم، پایگاه‌های هویت من و در گام سوم، اثر متقابل آن دو وارد تحلیل شدند که نتایج آن در جدول شماره ۷ آمده است.

جدول ۷: خلاصه نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی برای پیش‌بینی دل‌بستگی به خدا

از روی جنس و پایگاه هویت من

متغیر	مرحله اول				مرحله دوم				اثر متقابل جنس، سردرگم	اثر متقابل جنس، زودنگام	اثر متقابل جنس، مهلت‌خواه	اثر متقابل جنس، نخبه‌یافته
	B	Sig.	F	R <sup>2</sup>	B	Sig.	F	R <sup>2</sup>				
جنس	.۰۰۸	.۰۰۴	۷۰.۳۷	.۰۰۸	-.۰۰۱	.۰۰۸	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۸	.۰۰۴	۷۰.۳۷	.۰۰۸
پایگاه هویت من	-.۰۱۳	.۰۰۱	۱۲.۷۷	.۰۱۹	-.۰۰۱	.۰۰۸	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴
جنس × پایگاه هویت من	-.۰۰۱	.۰۰۱	۱.۲۹	.۰۱۹	-.۰۰۱	.۰۰۸	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴
تغیبات	۰				۰				۰			
پایگاه هویت من	-.۰۰۱	.۰۰۱	۱.۲۹	.۰۱۹	-.۰۰۱	.۰۰۸	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴
پایگاه هویت من × جنس	-.۰۰۱	.۰۰۱	۱.۲۹	.۰۱۹	-.۰۰۱	.۰۰۸	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴
تغیبات	۰				۰				۰			
پایگاه هویت من × جنس × پایگاه هویت من	-.۰۰۱	.۰۰۱	۱.۲۹	.۰۱۹	-.۰۰۱	.۰۰۸	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴
تغیبات	۰				۰				۰			
پایگاه هویت من × جنس × پایگاه هویت من × جنس	-.۰۰۱	.۰۰۱	۱.۲۹	.۰۱۹	-.۰۰۱	.۰۰۸	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴
تغیبات	۰				۰				۰			
پایگاه هویت من × جنس × پایگاه هویت من × جنس × پایگاه هویت من	-.۰۰۱	.۰۰۱	۱.۲۹	.۰۱۹	-.۰۰۱	.۰۰۸	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴	۷۰.۳۷	.۰۰۸	.۰۰۴
تغیبات	۰				۰				۰			

نتایج نشان می‌دهد جنس، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای هر سه نوع دل‌بستگی به خداست. نتایج در پیش‌بینی دل‌بستگی به خدا توسط پایگاه هویت نشان می‌دهد در دل‌بستگی ایمن و دل‌بستگی اجتنابی به خدا، فقط دو پایگاه هویت تحقق یافته و سردرگم، بتای معنادار دارند که با ورود اثر متقابل جنس و پایگاه هویت به معادله رگرسیون، مشاهده می‌کنیم بتای هویت تحقق یافته کاهش می‌یابد و از معناداری خارج می‌شود؛ درحالی‌که بتای هویت سردرگم کاهش می‌یابد؛ ولی همچنان معنادار است. این یافته بدین معناست که هویت تحقق یافته در پسران و دختران به طور متفاوت با دل‌بستگی ایمن به خدا ارتباط دارد؛ ولی هویت سردرگم در هر دو جنس پیش‌بینی‌کننده معناداری برای دل‌بستگی به خداست. همچنین اثر متقابل جنس و پایگاه زودهنگام، بتای معنادار پیدا می‌کند که این یافته بدین معناست که بیشترین تفاوت دو جنس در هویت زودهنگام است که این مطالب با بررسی جدول هم‌بستگی این دو متغیر در دو گروه تأیید می‌شود. در دل‌بستگی دوسوگرا به خدا، فقط یک پایگاه هویت سردرگم بتای معنادار دارد که با ورود اثر متقابل جنس و هویت به معادله رگرسیون مشاهده می‌کنیم بتای هویت سردرگم کاهش یافته و از معناداری خارج می‌شود و در گام سوم، میزان  $R^2$  افزایش چشمگیری نیافته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در بررسی تفاوت‌های جنسی در دل‌بستگی به خدا با تأکید بر نقش پایگاه هویت من نشان داد این پژوهش همسو با پژوهش علیائی، سامانی و فانی (۱۳۹۰) بوده و تفاوت معناداری بین پسران و دختران در دل‌بستگی به خدا را نشان می‌دهد. همچنین جنس، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای دل‌بستگی به خداست؛ بدین معنا که دختران بیش از پسران به ارتباط نزدیک به خدا ارزش می‌دهند و تجربه‌های مثبت از ارتباط را گزارش می‌کنند؛ ولی دل‌مشغولی افراطی به این رابطه و احساسات نوسانی به خدا نیز در دختران فزونی دارد. پسران با پرهیز از برقراری ارتباط، تکیه کردن و توکل به خدا و به‌طور کلی گزارش تجربه‌های منفی ارتباطی و بی‌ارزش جلوه دادن ارتباط با خدا از گروه دختران متمایز می‌شوند. یافته‌های این پژوهش را می‌توان همسو با انبوه پژوهش‌هایی مانند لوونتال (۲۰۰۲م)، کارتنی (۲۰۰۲م)، میلر و استارک (۲۰۰۲م)، توسلی و مرشدی (۱۳۸۵)، نجفی و همکاران (۱۳۸۵)، مدیری و آزاد ارمکی (۱۳۹۲) دانست که در بیان تفاوت‌های جنسی در میزان مذهبی بودن، از همگونی بالایی برخوردارند و مذهبی‌تر بودن زنان نسبت

به مردان را گزارش کرده‌اند. اگرچه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد جنس پیش‌بینی‌کننده معناداری برای دل‌بستگی به خداست؛ ولی هویت در تبیین واریانس دل‌بستگی سهم بیشتری دارد و جنس به‌تنهایی واریانس اندکی از دل‌بستگی را تبیین می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تفاوت‌های جنسی در دل‌بستگی به خدا تحت تأثیر وضعیت هویتی در پسران و دختران است؛ از این رو شاید بتوان ادعا کرد تفاوت جنسی در دل‌بستگی به خدا، تنها منشأ فیزیولوژیک نداشته و ناشی از اولویت ریسک - همان‌گونه که میلر و استارک (۲۰۰۲م) ادعا کرده‌اند زنان به علت ریسک‌گریزی، به رفتارهای مذهبی و مردان به علت ریسک‌پذیری، به رفتارهای با ریسک بالا روی می‌آورند - نیست.

پژوهشگران معتقد ساختار روان‌شناختی - بیولوژیکی و فضای ارتباطی خانوادگی و اجتماعی پسران و دختران تفاوت‌هایی در شکل‌گیری هویت ایجاد می‌کند که باید مورد توجه قرار گیرد؛ چنان‌که جانسون و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند جنس یک سازه چندبعدی است که به هنجارها و انتظارات اجتماعی در ارتباط با نقش‌ها، روابط و هویت‌های افراد اشاره دارد (see: Johnson et al, 2009). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نوع پایگاه هویت من در افراد، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای دل‌بستگی به خداست که در هر یک از دو جنس به طور متفاوت، دل‌بستگی به خدا را پیش‌بینی می‌کند. هویت تحقق‌یافته در پسران با دل‌بستگی ایمن به خدا رابطه منفی و با دل‌بستگی اجتنابی رابطه مثبت دارد؛ در حالی که هویت تحقق‌یافته در دختران با دل‌بستگی به خدا در آنها ارتباط معناداری نشان نداد. شاید بتوان گفت رشد هویت در دو جنس از مسیر متفاوت اتفاق می‌افتد؛ هویت زنانه بر اساس ارتباط و تعلق، و هویت مردانه بر اساس استقلال شکل می‌گیرد. بنابراین هویت تحقق‌یافته در دو جنس به گونه‌ای متفاوت در دل‌بستگی به خدا بروز می‌کند. همان‌طور که گلیگان (۱۹۸۲م) در تبیین تفاوت‌های جنسی ادعا می‌کند که زنان با تأکید بر عنصر ارتباط، خود را تعریف می‌کنند. دسروسیرز و میلر (۲۰۰۷م) مدعی‌اند تفاوت‌های مردان و زنان در دل‌بستگی انسانی ممکن است به ارتباط با خدا نیز گسترش یابد؛ از این رو زنان در مذهب نیز به‌ویژه در معنویت ارتباطی بالاتر هستند (غباری بناب و حدادی، ۱۳۹۰، ص ۸۴). عنصر ارتباط در ساختار شخصیتی و هویتی زنان، روی جنبه‌ها و سازه‌های روانی دیگر نیز اثر می‌گذارد؛ برای نمونه عزت‌نفس بالا که در پسران و دختران آثار متفاوتی را نشان می‌دهد. چنان‌که حسینی (۱۳۷۵، ص ۷۴) نشان می‌دهد دختران با عزت‌نفس بالا تمایل به

ارتباط بیشتر با دیگران و ابراز صمیمیت دارند و پسران با عزت نفس بالا، بیشتر به خودشان توجه پیدا می‌کنند و توجهی به ارتباط ندارند.

یافته دیگر پژوهش این است که هویت سردرگم در هردو گروه پسران و دختران، با دل‌بستگی ایمن و دل‌بستگی دوسوگرا به خدا رابطه مثبت معنادار و با دل‌بستگی اجتنابی به خدا رابطه منفی معنادار نشان می‌دهند و هویت سردرگم توان پیش‌بینی دل‌بستگی به خدا را دارد. پسران مانند دختران در این نوع هویت، به ارتباط روی می‌آورند و حمایت را جست‌وجو می‌کنند؛ البته همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، این افراد دارای نوسان در ارتباط، دل‌مشغولی افراطی به این رابطه و احساسات نوسانی درباره خدا هستند. نتایج پژوهش حاضر را می‌توان همسو با برزونسکی و کاک (۲۰۰۵م) و دالینگر (۱۹۹۵م) دانست که معتقدند افراد سردرگم برای تشکیل رابطه، دچار مشکل هستند و از نظر گشودگی در روابط در سطح پایینی قرار دارند.

به‌طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد جنس و هویت دو عامل مهم در پیش‌بینی دل‌بستگی به خدا هستند و یک وضعیت هویتی در دو جنس می‌تواند تأثیر متفاوتی در نوع دل‌بستگی به خدا داشته باشد. البته اظهار نظر قطعی در این زمینه بسیار دشوار است؛ زیرا پژوهش فراوانی در این زمینه صورت نگرفته است و محدودیت‌هایی نیز در تفسیر آن وجود دارد. مبانی نظری و نوع تعریفی که از انواع چهارگانه پایگاه هویت می‌شود و همچنین ابزاری که آن را می‌سنجد، محدودیت‌هایی است که باید در پژوهش‌های بعدی مورد توجه قرار بگیرد.

قدردانی و سپاسگزاری: از مرکز تحقیقات زن و خانواده که از این پژوهش حمایت مادی و معنوی داشتند و نیز از مسئولان و دانشجویان دانشگاه قم که در اجرای این پژوهش همکاری صمیمانه داشتند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.



## منابع و مأخذ

۱. آقاجانی، محمدحسن، ولی الله فرزاد و مهرناز شهرآرای؛ «مقایسه سبک‌های هویت دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بر اساس جنسیت، رشته تحصیلی و بومی و غیربومی بودن»؛ مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره ۳۸، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵-۱۶۴.
۲. توسلی، غلام‌عباس و ابوالفضل مرشدی؛ «بررسی سطح دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان»؛ جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴، ۱۳۸۵، ص ۹۶-۱۱۸.
۳. حسینی، سید داوود، جواد مصرآبادی و ناهید آقاجان‌زاده؛ «بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه تبریز»؛ علوم تربیتی، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۴۷-۶۴.
۴. دانشورپور، زهره، زیبا غنایی، امید شکری و حسن‌رضا زین‌آبادی؛ «پیش‌بینی صمیمیت اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت»؛ فصلنامه روان‌شناسی، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۶، ص ۵۵-۸۵.
۵. سرگزی، مهدی و زهرانیک‌منش؛ «سبک‌های هویت و خودتعیین‌گری مذهبی»؛ روان‌شناسی و دین، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۹۲، ص ۹۱-۱۰۴.
۶. سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی؛ روش‌های تحقیق در علوم رفتاری؛ تهران: نشر آگه، ۱۳۹۴.
۷. شهابی‌زاده، فاطمه؛ «دل‌بستگی دوران کودکی و دل‌بستگی به خدا، مدل حل بحران هویت با توجه به ادراک اهمیت ارزش‌های مذهبی»؛ زن و مطالعات خانواده، سال ۴، شماره ۱۶، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵-۱۲۵.
۸. شیخ، مهدی، خدابخش احمدی، باقر غباری‌بناب و محمدجواد احمدی‌زاده؛ «نقش دل‌بستگی به خدا در سخت‌رویی و عزت‌نفس اجتماعی کارکنان نظامی»؛ فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، سال ۴، شماره ۳، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶-۱۵۲.
۹. علیانی، زهرا، سیامک سامانی و حجت‌الله فانی؛ «بررسی روایی و پایایی مقیاس دل‌بستگی به خدا»؛ روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال ۲، ویژه‌نامه نیمسال دوم، ۱۳۹۰، ص ۶۵-۸۱.
۱۰. غباری‌بناب، باقر و علی‌اکبر حدادی کوهسار؛ «دل‌بستگی به خدا در بافت فرهنگ

- اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری؛ روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال اول، شماره ۴، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶-۸۱.
۱۱. مدیری، فاطمه و تقی آزاد ارمکی؛ «جنسیت و دین‌داری»؛ جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره ۳، ۱۳۹۲، ص ۲-۱۴.
۱۲. نجفی، محمود؛ حسن احدی و علی دلاور؛ «بررسی رابطه کارایی خانواده و دین‌داری با بحران هویت»؛ دانش‌ور رفتار، سال ۱۳، شماره ۱۶، ۱۳۸۵، ص ۱۷-۲۶.
13. Argyle, M.; *Psychology and religion*; London: Routledge, 2000.
14. Bell, David M.; *Religious Identity: Conceptualization and measurement of the religious self*; A Dissertation to the Faculty of the Graduate School of Emory University, the degree for of Doctor of Philosophy in Religion, 2009.
15. Berzonsky, M. D., J. E. Nurmi, A. Kinney, & K. Tammi; "Identity processing orientation and cognitive and behavioral strategies: Similarities and differences across different contexts. European"; *Journal of personality*, 1999, 13: pp.105-120.
16. Berzonsky, M.D & L.S. Kuk; "Identity style, psychosocial maturity, and academic performance"; *Personality and Individual Differences*, 2005, 39, pp.235-247.
17. Bowlby, J.; *Attachment and loss: Vol 3. Loss, Sadness and Depression*. Basic Books. New York, 1980.
18. Cartney, Kristin MC, Hetrick Kate; "Religiosity and Gender: Nature or Nurture?"; submitted in May 28, 2002.
19. Desrosiers, A., & L. M. Miller; "Relational spirituality and depression in adolescent girls"; *Journal of Clinical Psychology*, 63, 2007, 1021-1037.
20. Dollinger, S.M.; "Identity styles and the Five-factor model of personality"; *Journal of Research in Personality*, 1995, 29, pp.475-479.
21. Gilligan, C.; *In a different voice: Psychological theory and women's development*; Cambridge, MA: Harvard University Press, 1982.
22. Granqvist P., M. Mikulincer & PR. Shaver; "Religion as attachment: Normative processes and individual differences"; *Personality and Social Psychology Review*; 2010, 14: pp.49-59.
23. Johnson, J. L., L. Greaves, & R. Repta; "Better science with sex and gender"; facilitating the use of a sex and gender-based analysis in health research *International Journal for Equity in Health*, 8 Retrieved October 31, 2009 from <http://www.equityhealthj.com/content/8/1/14>.
24. King, Pamela. E.; "Religion and Identity: The Role of Ideological, Social, and Spiritual Contexts"; *Journal of Applied Developmental Science*, 2003, v.7, pp.197-204.
25. Kirkpatrick, L. A.; *Attachment and religious representation and behavior*; In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds), *Handbook of Attachment*, New York: Gillford Press, 1999.

26. Kirkpatrick, L. A. & P. R. Shaver; *An attachment theoretical approach to romantic love and religious belief*; *Personality and Social Psychology Bulletin*, 1996 18, pp.266-275.
27. Loewenthal, K. M., A. K. Macleod, V. Goldblatt, G. Lubitsch, & J. D. Valentine; "Are Women more religious than men?"; *Personality and Individual Differences*, 2002, 32, pp.133-139.
28. Miguel Angel Gonza 'lez-Torres and Aranzazu Fernandez-Rivas; "Self-Identity and Gender Differences"; In Margarita Sa 'enz-Herrero, (2015). *Psychopathology in Women*. Springer Cham Heidelberg New York Dordrecht London, 2015.
29. Miller, Alan & Rodney Stark; "Gender and Religiousness: Can Socialization Explanations be Saved?" *American Journal of Sociology*, 2002, 107: pp.1399J-423
30. Parker, M. S.; "Identity and the development of religious thinking"; *New Directions for Child Development*, 1985, 30, pp.43-60.
31. Rowatt, W. C. & L. A. Kirkpatrick; *Two dimensions of attachment to God and their relation to affects*; religiosity and personality constructs. Faculty. Wm. Edu/lakirk/roatt.html, 2002.
32. Ross, C. E., & J. Mirowsky; "Sex differences in the effect of education on depression: Resource multiplication or resource substitution?"; *Social Science & Medicine*, 2006, 63, pp.1400-1413.
33. Schwartz, S.J.; "The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity Theory and Research: A Review and Integration, an International"; *Journal of Theory and Research*, 2001, 1(1), pp.7-58.
34. Simpson, J. A.; "The ultimate elixir?"; *Psychological Inquiry*, 2002, 13, pp.226-229.